

ای ذبیح در اکثری از الواح الهیه از قلم امریه نازل و جمیع احبای الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدّس را بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده میالایند و همچنین وصیت فرمودیم که بما نزل فی الألواح ناظر باشند اگر وصایای الهیه را که از مشرق قلم رحمانی اشراق فرموده بگوش جان میشنیدند و باصغای آن فائز میگشتند حال اکثر من فی الامکان را بخلعت هدایت مزین مشاهده مینمودی ولكن قضی ما قضی حال کرة اخرى در این ورقه بیضا لسان قدم در این سجن اعظم میفرماید ای احبای حق از مفازة ضیقه نفس و هوی بفضاهای مقدسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عزّ احدیه توجه نمایند ابداً در امور دنیا و ما یتعلّق بها و رؤسای ظاهره آن تکلم جایز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت ظاهره را بملوک عنایت فرموده بر احدی جایز نه که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای مملکت باشد و آنچه از برای خود خواسته مداین قلوب عباد بوده و احبای حقّ الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کل بقوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند اینست نصرت حقّ که در جمیع زبر و الواح از قلم فالح الأصباح جاری شده و همچنین با ناس بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنی که جمیع ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند حال مشاهده کن در چه سمائی طیر اوامر حقّ در طیرانست و در چه مقامی آن نفوس ضعیفه ساکن طوبی للذین طاروا بأجنحة الایقان فی هواء الذی جری من قلم ربّک الرحمن ای ذبیح نظر باعمال حقّ کن و قل تعالی تعالی قدرته الّتی احاطت العالمین و تعالی تعالی انقطاعه الذی علا علی الخلائق اجمعین تعالی تعالی مظلومیته الّتی احترقت بها افئدة المقرّین مع آنکه ببلائی لایحصی در دست اعدا مبتلا جمیع رؤسای ارض را واحداً بعد واحد تبلیغ نمودیم آنچه را که ارادة الله بآن تعلّق یافته بود لیعلموا الأمم انّ البلاء لا یمنع قلم القدم انّه یتحرّک باذن الله مصوّر الرّمح حال مع این شغل اعظم لایق آنست که جمیع احبای کمر خدمت محکم کنند و بنصرت امر

الله توجّه نمایند نه آنکه بارتکاب امور شنیعه مشغول شوند اگر قدری در افعال و اعمال ظاهره حقّ مشاهده نمائی لتخرّ بوجهک علی التراب و تقول یا ربّ الأرباب اشهد أنّک انت مولی الوجود و ربّی الغیب و الشّهود و اشهد أنّ قدرتك احاطت الکائنات لا تخوّفک جنود من علی الأرض و لا تمنعک سطوة من علیها و اشهد أنّک ما اردت الا حیاة العالم و اتّحاد اهل و نجاة من فیہ حال قدری تفکر نمایند که دوستان حقّ در چه مقام باید حرکت نمایند و در چه هوا طیران کنند ان اسأل الله ربّک الرحمن فی کلّ الاّحیان بأن یوفّقهم علی ما اراد أنّه لهُو المقتدر العزیز العلام ای ذبیح ضرّ این مظلوم از سجن و تاراج و اسیری و شهادت و ذلّت ظاهره نبوده و نیست بلکه ضرّ اعمالیست که احبّای حقّ بآن عاملند و آن را نسبت بحقّ میدهند هذا ضرّی و نفسه المهیمنة علی العالمین و ضرّ اکبر دیگر آنکه هر یوم یکی از اهل بیان مدّعی امر شده و بعضی متمسّک بغصنی از اغصان و بعضی مستقلاً گفته اند آنچه گفته اند و عاملند آنچه عاملند ای ذبیح لسان عظمت میفرماید و نفسی الحقّ قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الأعظم و من یدّعی بعده أنّه کذاب مفتر نسأل الله بأن یوفّقه علی الرجوع ان تاب أنّه لهُو التّوّاب و ان اصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه أنّه لهُو المقتدر القدیر مشاهده کن که اهل بیان آنقدر ادراک ننموده اند که مظهر قبلم و مبشّر جمالم آنچه فرموده ناظرأ الی الظهور و قیامه علی الأمر فرموده و الا و نفسه الحقّ بکلمه ئی از آنچه فرموده تکلم نمینمودند این جهّال امر غنی متعال را لعب اطفال دانسته اند هر روز بخیالی حرکت مینمایند و در مفازه ئی سائرند لو کان الأمر کما یقولون کیف یستقرّ امر ربّک علی عرش السّکون تفکّر و کن من المتفرّسین تفکّر و کن من المتوسّمین تفکّر و کن من الرّاسخین تفکّر و کن من المطمئنّین علی شأن لو یدّعی کلّ البشر بکلّ ما یمکن او فوّقه لا تتوجّه الیهم و تدعهم عن ورائک مقبلاً الی قبة العالمین لعمری انّ الأمر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم طوبی لمن نبذ الوری عن ورائه متوجّهاً الی وجه الذی بنوره اشرفت السّموات و الأرضین ای ذبیح بصر حدید باید و قلب محکم و رجل نحاس شاید تا بوساوس جنود نفسیه نلغزد اینست حکم محکم که باراده

مالک قدم از قلم اسم اعظم جاری و نازل شده ان احفظه کما تحفظ عینک و کن من الشاکرین
در لیالی و ایام بخدمت حق مشغول باش و از دوش منقطع لعمری ما تراه الیوم سیفنی و تجد
نفسک فی اعلی المقام لو تکنون مستقیماً علی ما امرک مولاک انّ الیه منقلبک و مثواک.